

میرزا رضاخان ارفع الدوله

فاطمه معزّی

میرزا رضا فرزند حاجی شیخ حسن مهاجر ایروانی و از نوادگان میرزا ابراهیم وزیر ایروان در سال ۱۲۷۰ق، در محله اندرون شتریان تبریز به دنیا آمد. او از شش سالگی برای تحصیل به مکتبخانه رفت و پس از به پایان بردن دوره مکتبخانه برای ادامه تحصیل به نزد حاجی ملا عبدالعظیم رفت و به تحصیل فقه و اصول، تفسیر و علم رجال پرداخت.^۱ پدر او که در بازار تبریز حجره^۲ داشت در اثر جاری شدن سیل و از بین رفتن مال التجاره اش ورشکسته شد و میرزا رضا برای کمک به امرار معاش خانواده تحصیل را رها کرد^۳ و در صرافتی یکی از بستگان خود مشغول به کار شد. حاجی شیخ حسن ایروانی که طلبکاران زیادی داشت مجبور به ترک تبریز شد و طلبکاران هر روز برای دریافت وجوه خود به محل کار میرزا رضا می‌رفتند. فشار طلبکاران سرانجام باعث شد تا میرزا رضا در سال ۱۲۹۰ق^۴ تبریز را به سوی اسلامبول ترک کند.^۵ در اسلامبول به مدرسه یونانیان رفت و زبان فرانسه و انگلیسی را فراگرفت. پس از دو سال^۶ اقامت در اسلامبول به بیماری مبتلا شد و به وی توصیه شد تا برای بهبود بیشتر به تبریز بازگردد، در سر راه خود به تبریز بنا به پیشنهاد یکی از بستگان خود در تغلیس ماندگار شد و در مدرسه‌ای که دولت روس برای مسلمانان تأسیس کرده بود به فراگیری زبان و تاریخ و

۱. ایران دیروز، خاطرات پرنس ارفع (ارفع الدوله). تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۲۵. ص ۱۲.

۲. در کتاب رجال عصر مشروطیت، نوشته ابوالحسن علوی شغل پدر میرزا رضا خان ارفع الدوله صرافتی ذکر شده است. مهدی بامداد نیز در کتاب خود عین مطلب علوی را نوشته است ولی میرزا رضا خان در کتاب خاطرات خود پدرش را تاجر اقسام پارچه و مخمل کاشان معرفی کرده است. رک: ایران دیروز، ص ۱۹؛ مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، تهران، وزارت ج ۱، ص ۵۰۷.

۳. مرحوم مهدی بامداد در شرح حال میرزا رضاخان ارفع الدوله نوشته است که او برای تحصیل به تهران آمد ولی در کتاب خاطرات میرزا رضا خان چنین مطلبی نیامده است.

۴. روزنامه شرف، نمره هشتم و چهارم، ۱۳۰۸. ۵. پیشین، ص ۲۴.

۶. پیشین.

جغرافیای روس مشغول شد. در همین ایام با میرزا فتحعلی آخوندزاده آشنا شد و در جلسات شبانه‌ای که در منزل آخوندزاده تشکیل می‌شد شرکت کرد. میرزا رضا در این جلسات با اندیشه باستانگرایی و تغییر خط آشنا شد و در خصوص تغییر خط بسیار تحت تاثیر آخوندزاده قرار گرفت.^۱

تحصیل میرزا رضا در تفلیس دو سال طول کشید، در این مدت با ایرانیان بسیاری رفت و آمد کرد و از جمله با میرزا محمود خان (علاءالملک)^۲ کارپرداز اول کنسولگری ایران آشنا شد. این آشنایی باعث شد میرزا محمود خان در سال ۱۲۹۵ق^۳ به مناسبت مسافرت دوم ناصرالدین شاه به فرنگ و به علت بیماری مترجم کنسولگری از میرزا رضا بخواهد تا به عنوان مترجم او را در مراسم استقبال از شاه به خاک روسیه در جلفا تا تفلیس همراهی کند. پس از عزیمت شاه به اروپا میرزا محمود خان از میرزا رضا دعوت کرد تا در کنسولگری مشغول به کار شود، و به علت درج نامش در لیست همراهان ناصرالدین شاه، یک نشان درجه سوم استانیلاس روس از سوی دولت روسیه دریافت کرد. پس از مدتی در سال ۱۲۹۶ق^۴ به فرمان ناصرالدین شاه به عنوان مترجم و نایب سوم کنسولگری تفلیس به اخذ نشان درجه پنجم شیر و خورشید نائل شد.^۴ در ضمن علاءالملک او را مسئول نوشتن شهادتنامه کنسولگری برای صحت گذرنامه‌های ایرانیان مقیم ایران در تفلیس نمود که درآمد خوبی برای میرزا رضا داشت.

در همین ایام میرزا رضا تحت تاثیر میرزا فتحعلی آخوندزاده، اقدام به نگارش رساله‌ای تحت عنوان مکتب رساله‌ای رشدیه در خصوص تغییر خط فارسی کرد و با مشورت میرزا محمود خان علاءالملک آن را برای روزنامه اختر در اسلامبول ارسال کرد. روزنامه اختر در خصوص رساله وی نوشت:

این روزها به کمال خشنودی اطلاع حاصل نمودیم که میرزا محمد رضا نامی از مأمورین جنرال قونسولگری دولت علیه ایران مقیم تفلیس تغییر در وضع حروف اسلام داده در این باب رساله نیز نوشته برای چاپ شدن به اسلامبول فرستاده است... در نسخه‌های بعدی صورت مقدمه رساله مذکور را هرگاه به دست آمد نیز

۱. ایران دیروز، ص ۴۶.

۲. در کتاب رجال ایران تالیف مهدی بامداد، عنوان شده است که میرزا محمود خان علاءالملک زمانی که به کارپردازی ایران در تفلیس منصوب شد میرزا رضا را با خود به عنوان نوکر از تهران به تفلیس برد. در صورتی که در منابع موجود این دوره به این موضوع بر نمی‌خوریم. میرزا محمود خان علاءالملک پیش از انتصاب به جنرال قونسولی تفلیس جنرال قونسول حاجی طرخان بود. متأسفانه اکثر مطالبی که در خصوص ارفع‌الدوله نگاشته شده است تنها با تکیه بر مطلب بامداد می‌باشد.

۳. روزنامه شرف، نمره ۸۴، ۱۳۰۸ق.

۴. پیشین.

الفبای رشديه

à b p t c j j̄ h̄
 آ ب پ ت ث ج چ ح
 x d y r o oic o uu
 خ د ی ر ز ژ س ش
 t̄ ē â u f h̄
 ظ ط ع غ ف ق
 y gn l m n h̄
 گ ک ن س ل م ن ه
 v u i
 و ی
 a i u ā ī ū à y ī a 10 20 e
 ا ای ی اُ اِ اِ اُ اِ اِ اِ اِ
 o u u
 او او او

۱۱ دینورف محض در زبان ترکی استعمال میشود مثل حرکت ق در درکله
 قزل یعنی طلا و صدای ۱۱۱ مثل صدای او در کله او بیک

خواهیم نوشت گویا وضع حروف اختراعی میرزای مومی‌الیه مانند اشکال الفبای فرانسوی و انگلیسی و مخصوص برای تعلیم کتابهای عربی و فارسی شاگردان مکتبهای قفقاز بوده...^۱

میرزا رضا در سال ۱۲۹۷ق مأمور شد تا به عنوان مترجم به اردوگاه اسرای عثمانی در جنگ روس و عثمانی که در نزدیکی تفلیس مستقر شده بودند برود و از وضعیت اسرای عثمانی گزارشی تهیه کند. گزارشات وی در بهبود وضعیت اسرای عثمانی مؤثر بود، به همین جهت از سوی دولت عثمانی موفق به دریافت نشان درجه چهارم مجیدیه شد و کارپرداز عثمانی در تفلیس به وی پیشنهاد کرد که رساله تغییر خط خود را برای کامل پاشا صدراعظم عثمانی ارسال کند. میرزا رضا با تشویق کامل پاشا روبرو شد و این بر جسارت وی افزود. همزمان با چاپ رساله روزنامه اختر در ۱۳ محرم ۱۲۹۸ق مقدمه میرزا رضا خان را بر این کتاب منتشر کرد، در این مقدمه میرزا رضا کاملاً گرایشات غربی خود را عیان نمود. او گرچه به تند و تیزی دیگر پیروان آخوندزاده و طرفداران تغییر خط و زبان فارسی نبود ولی مانند آنان دیواری کوتاهتر از خط و زبان فارسی پیدا نکرده بود: مدتی بود که این جان نثار ملت و طالب ترقی دولت بعد از تحصیل زبان فارسی و ترکی و عربی شروع به تحصیل بعضی از زبان‌های اروپا نموده الفبای مستعمله اهالی شرق را که عبارت از مسلمانان باشد با الفبای اهالی غرب موازنه نموده و دلیل عمده به پیشرفت و ترقی آنها در علوم و بی بهره ماندن ماها از آن دشواری الفبای اسلامی و آسانی الفبای اهالی غرب را یافته به خیال تغییر دادن الفبای خودمان افتاده.^۲

در این رساله او منتخبی از حروف روسی، فرانسوی و انگلیسی گردآورده بود تا جایگزین خط زیبای فارسی گردد و پیشنهادش بر این بود که در ابتدا این خط جدید به دیوانیان و منشیان آموخته شود و از آن پس به صورت اجباری از این خط استفاده شود و کتابهای اطفال را به این خط چاپ کنند.^۳ میرزا رضا به منظور مشروعیت بخشیدن به خط خود رساله رشديه را برای شيخ الاسلام قفقاز ارسال کرد و او ضمن تایید خط پیشنهادی با توهین به علماء امکان تغییر خط اسلام را مردود دانست.^۴ اختر در شماره بعد خود نامه‌ای از میرزا محمود خان جنرال کنسول ایران در تفلیس چاپ کرد که او نیز به تمجید

۱. روزنامه اختر. سال ششم، شماره ۶، ۳۱ شعبان ۱۲۹۷. ص ۲۴۵.

۲. روزنامه اختر، سال هفتم، شماره ۲، ۱۳ محرم ۱۲۹۸. ص ۱۳ و ۱۴. ۳. پیشین.

۴. روزنامه اختر. سال هفتم. شماره ۵. ص ۳۷-۳۶.

فراوان از خط پیشنهادی پرداخته بود.^۱ میرزا رضا پس از آنکه از سوی روزنامه‌اختر مورد تشویق قرار گرفت، نسخه‌ای از کتاب خود را برای محمد رفیع طباطبایی نظام‌العلماء روحانی منتقد تبریزی^۲ و برادر میرزا محمود خان و نسخه‌ای برای محمدحسن خان صنیع‌الدوله فرستاد. نظام‌العلماء در مکتوبی به میرزا رضا به نکته‌ای ظریف پرداخت:

... در روزنامه اختر و سایر جاها دیدم که این را به تغییر الفبای اسلام نوشته‌اند بعد از آن که الفبای قدیم به اسلام نسبت داده شد تغییر دهنده او باید از موسسین اسلام باشد. اگر مقصود اختراع الفبای جدید است در آن صورت به اسلام نسبت دادن لزوم ندارد در دنیا هزار گونه اختراع می‌شود یکی هم این باشد.^۳

اما محمدحسن خان صنیع‌الدوله (اعتمادالسلطنه) در روزنامه ایران اقدام میرزا رضا را ستود و آن را ناشی از غیرت و حمیت وطن پرستی دانست.^۴ میرزا رضا پس از چاپ کتاب رشدیه به زبان فرانسه و فارسی آنرا تقدیم مظفرالدین میرزا ولیعهد کرد و در ازای آن فرمان نایب آجودانی ولیعهد و لقب خانی برای وی صادر شد.^۵ ملکم خان هم که خود از نظریه پردازان تغییر خط فارسی بود در رمضان ۱۲۹۹ ق سر راه خود از لندن به تهران در تغلیس با میرزا رضا خان آشنا شد و از وی خواست تا با توجه به کمالات مختلفه نام خانوادگی دانش را برای خود برگزیند.^۶

میرزا رضا خان به مقام نائب اولی کارپرداز کنسولگری ارتقاء پیدا کرد و در همین اوقات میرزا محمود خان به تهران احضار شد و به جای او میرزا محمدعلی خان معین‌الوزاره (علاءالسلطنه) به کارپردازی کنسولگری تغلیس منصوب شد. در سال ۱۳۰۰ ق دولت روس کنگره‌ای برای بررسی و شناخت آثار باستانی قفقاز تشکیل داد و از دولت ایران خواست تا نماینده‌ای به این کنگره اعزام کند که میرزا رضا خان به پیشنهاد معین‌الوزاره مأمور شرکت در این کنگره شد.^۷ در همین سال عبدالصمد میرزا عزالدوله

۱. روزنامه اختر. سال هفتم، شماره ۶، ۲۱ صفر ۱۲۹۸، ص ۲۹.
۲. مهدی بامداد در شرح حال ارفع‌الدوله از پیوند خانوادگی مابین ارفع‌الدوله و خاندان علاءالملک نوشته است و علت ترقی ارفع‌الدوله را نتیجه این وصلت می‌داند. در حالی که در خاطرات ارفع‌الدوله و خاطرات حسن ارفع پسر وی، به این پیوند اشاره‌ای نشده است. رک: حسن ارفع، در خدمت پنج سلطان، ترجمه سیداحمد نواب صفوی، تهران، مهرآیین، ۱۳۷۷، ص ۹.
۳. رحیم رئیس‌نیا، ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، تهران، ستوده، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۵۵.
۴. روزنامه ایران، شماره ۴۴۷، ۲۳ ربیع الاول ۱۲۹۸، ص ۴. رحیم رئیس‌نیا در کتاب ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم معتقد است که بر خلاف قول ارفع‌الدوله که روزنامه ایران به تمجید از رساله رشدیه پرداخته بود این روزنامه این رساله را نقد کرده است. با رجوع به روزنامه ایران مشخص شد که ارفع‌الدوله خلاف واقع نگفته است. رک: رحیم رئیس‌نیا، ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، تهران، ستوده، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۹۱.
۵. ایران دیروز، ص ۷۳. ۶. ایران دیروز، ص ۷۲. ۷. ایران دیروز، ص ۷۵.

برادر ناصرالدین شاه به عنوان نماینده ایران مأمور شرکت در جشن تاجگذاری آلکساندر سوم امپراطور روس شد و محمود خان علاءالملک مستشار سفارت ایران در پترزبورگ از برادر خود میرزا اسدالله خان ناظم‌الدوله وزیر مختار ایران خواست تامیرزا رضاخان را مترجم این هیئت کند که پذیرفته شد.^۱ ره آورد این سفر یک قطعه نشان درجه سوم آنا از سوی دولت روس بود،^۲ پس از بازگشت از این مأموریت، میرزا سعید خان وزیر امور خارجه از معین‌الوزاره خواست تا مترجمی مسلط به زبان روسی برای کمیسیون تحدید حدود مرزهای شمال شرقی ایران با روسیه معرفی کند، میرزا محمد علی خان نیز میرزارضا را معرفی کرد گرچه او خود اقامت در تفلیس را بر این مأموریت ترجیح می‌داد ولی بنا به حکم وزیر امور خارجه در سال ۱۳۰۰ قی راهی تهران شد و به همراه میرزا سعید خان نزد ناصرالدین شاه رفت. پس از دیدار کوتاه با شاه راهی خراسان شد. ریاست کمیسیون تحدید حدود با سلیمان خان افشار صاحب اختیار بود و وظیفه آن تعیین حدود مرزهای بین ایران و روسیه از خراسان تا آخال و تقسیم آب و تعیین زمین بود. اعضای کمیسیون ایران به لطف‌آباد رفته تا به شکایات اهالی این منطقه رسیدگی کنند بر سر تقسیم این منطقه بین دو کمیسیون روس و ایران درگیری پیش آمد. میرزا رضا از سوی صاحب اختیار مأمور شد تا برای حل این اختلاف به عشق آباد برود و با توجه به سابقه دوستی که با فرماندار نظامی ژنرال کاماروف داشت با وی ملاقات کند تا شاید راه حلی برای این مشکل پیدا شود. او در این مأموریت موفق بود و کمیسیون روس حاضر شد تا با کمیسیون ایرانی برای تعیین حدود لطف آباد وارد مذاکره شود. این مأموریت باعث شد تا میرزا رضا در نزد صاحب اختیار ارج و قرب پیدا کند و صاحب اختیار وعده داد که در مقابل منصب ژنرال آجودانی را با حقوق آن برای میرزا رضا از ناصرالدین شاه تقاضا کند.^۳

مأموریت این کمیسیون سه سال به طول انجامید و میرزا رضا که علاقمند به منافع روسها نیز بود در اینجا خدمتی بزرگ به آنان کرد او و یکی دیگر از اعضای کمیسیون میرزا مهدی خان امین نظام متهم به آنند که یکی از شاخه‌های اترک به نام نهر مهدی خانی به جای رود اترک جا زده‌اند و به این ترتیب اراضی شمالی آباد آن و خلیج حسینقلی به روسها تعلق گرفته است.^۴ در ایام همین مأموریت، پدر عبدالحسین تیمورتاش او را که طفلی پنج شش ساله بیش نبود به نزد میرزا رضا آورد و از وی خواست تا او را به فرزند خود قبول کند که میرزا رضا نیز پذیرفت و در دوران وزیر

۱. ایران دیروز، ص ۷۷. ۲. روزنامه شرف، شماره ۸۴. ۳. ایران دیروز، ص ۱۱۳-۱۱۲.

۴. مهدی‌قلی هدایت، خاطرات و خطرات، تهران، زوار، ۱۳۴۴، ص ۳۸۱.

مختاری خود در روسیه بار دیگر با این پدر و پسر ملاقات داشت و عبدالحسین خان را در مدرسه سواره نظام نیکولای نام‌نویسی کرد.^۱ در آخرین ماه‌های این مأموریت سه ساله سلیمان خان صاحب اختیار اظهار کسالت و بیماری کرد و از تهران اجازه گرفت تا میرزا رضا خان را به جای خود وکیل کند که پذیرفته شد. آخرین قرارداد پروتکل ۱۸۸۶م در باب «تحويل دادن سرحد میان ولایت ماوراء خزر و مملکت ایران به حکومت‌های محلیه متعلقه به دولتین ایران و روس»^۲ در جمادی الاول ۱۳۰۳ق به امضای مأمور مختار ایران، جنرال میرزا رضا خان است. او پس از انجام این مأموریت سه ساله در سال ۱۳۰۳ به تهران بازگشت و به همراه صاحب اختیار نزد ناصرالدین شاه احضار شد تا نقشه‌های مرزهای جدید را نشان دهند، در همین ملاقات بود که صاحب اختیار به وعده خود عمل کرد و برای میرزا رضا منصب و مواجب جنرال آجودانی را از ناصرالدین شاه تقاضا کرد که پذیرفته شد. علی‌اصغرخان امین‌السلطان نیز در ملاقاتی که با میرزا رضا داشت از وی خواست تا به امر ناصرالدین شاه هفته‌ای یک روز به دربار و هفته‌ای یک روز به وزارت خارجه برود. رابطه دوستانه بین میرزا رضا و امین‌السلطان از همین زمان شکل گرفت و این دوستی تا به آخر ادامه داشت، خصوصاً که هر دو به سیاست روسیه در ایران تمایل داشتند.

در سال ۱۳۰۴ق در ایام اقامت در تهران، از سوی یحیی خان مشیرالدوله مأمور استقبال و مهمانداری از وزیر مختار ایتالیا کنت دوناتو شد و به همین مناسبت از سوی دولت ایتالیا موفق به دریافت نشان کوماندر شد.^۳ در این زمان در سفارت ایران در پترزبورگ تحولاتی روی داد و به جای ناظم‌الدوله برادر وی میرزا محمود خان علاءالملک به وزیر مختاری پترزبورگ منصوب شد و از یحیی خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه تقاضا کرد که میرزا رضا خان را به مستشاری و مترجمی سفارت ایران در پترزبورگ منصوب نمایند. اشتیاق میرزا رضا برای این پست، وساطت‌های علاءالملک و نظام‌العلما کار خود را کرد و او به مستشاری سفارت منصوب شد و به آرزوی خود که ترک ایران و زندگی مشقت بار آن بود رسید. او دوران اقامت خود در ایران را به افتادن بیژن در چاه افراسیاب تعبیر کرده بود.^۴

پس از واگذاری امتیاز کشتیرانی در رود کارون در سال ۱۳۰۶ق به انگلیس، امین‌السلطان مورد غضب روس‌ها واقع شد و میرزا رضا یار دیرین وی در مکتوبی او را

۱. ایران دیروز. ص ۱۲۱.

۲. راهنما و مشخصات معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول (موجود در وزارت امور خارجه) ۱۳۵۷-۱۱۸۵ هجری شمسی. ۱۹۷۹-۱۸۰۷ میلادی. تهران. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. ۱۳۶۷. ص ۱۹۷.

۳. روزنامه شرف. شماره ۸۴. ۱۳۰۸.

۴. ایران دیروز. ص ۱۹۲.

از آنچه که در وزارت خارجه روسیه بر علیه وی می‌گذشت آگاه کرد و به او هشدار داد که چنانچه مناسبات دوستانه بین وی و روسها بهم بخورد دیگر هیچ احتمالی برای تجدید آن نیست:

دیروز در وزارت خارجه اینجا خیلی از حضرت مستطاب عالی روحی فداه اظهار دلتنگی کرده و گفته‌اند باید همه مساعی طهران در آینده مصروف بشود که خدای نخواستہ، خدای نخواستہ صدمه به حضرت مستطاب عالی وارد بیاورند یقین بفرمائید که منبعد محال است دیگر میانه روسها با حضرت اشرف روحی فداه خوب بشود...^۱

در سال ۱۳۰۶ق که ناصرالدین شاه عازم سومین سفر خود به اروپا بود میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان از علاءالملک خواست تا میرزا رضا خان را برای استقبال و مهمانداری به جلفا اعزام نماید. میرزا رضا پس از استقبال از ناصرالدین شاه در جلفا نشان و حمایل سرتیپ اولی دریافت کرد و در ورشو نیز یک قبضه شمشیر مرصع از سوی شاه به وی اعطاء شد. او در تمام این سفر از ملتزمین رکاب بود^۲ و ناصرالدین شاه از وی خواست که در تمام مهمانی‌ها و مراسم از غلامعلی خان عزیزالسلطان ملیجک نگهداری و مراقبت کند و به وی آداب شرکت در مراسم رسمی را بیاموزد. در این سفر مناسبات بین امین‌السلطان و میرزا رضا خان بسیار نزدیک شد، محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در کتاب خلسه یا خوابنامه علت این نزدیکی را تن در دادن میرزا رضا به خواسته‌های نامشروع علی‌اصغر خان امین‌السلطان می‌دانست و شرح این داستان‌ها را داده است. دکتر فورریه فرانسوی نیز معتقد بود که میرزا رضا با توجه به آنکه نظر اتابک را جلب کرده است دارای آینده‌ای درخشان خواهد بود.^۳ یکی از علل این رابطه نزدیک روسوفیل بودن این دو سیاستمدار قاجاری بود که به مرور زمان عیان‌تر گشت.

در پایان این سفر میرزا رضا، علیرغم میل باطنی خود و به امر ناصرالدین شاه، به تهران بازگشت. حاصل دیگر این سفر برای نامبرده نشان‌های مختلف مانند نشان درجه دوم مرصع آنا،^۴ نشان درجه دوم ویکتوریا، نشان درجه چهارم لژیون دنور و... بود که باعث تفاخر بسیار وی بودند. پس از بازگشت به تهران در سال ۱۳۰۷ق، او بنا به دستور

۱. مدارک تاریخی، به کوشش ابراهیم صفایی، تهران، بی‌تا، ۱۳۵۵، صص ۱۵۹-۱۵۸.

۲. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در روزنامه خاطرات خود می‌نویسد که میرزا رضا از سرحد ایران تا سرحد آلمان در التزام رکاب بود و از آنجا به وی دستور بازگشت دادند ولی با نزدیک شدن به امین‌السلطان موفق شد تا کل سفر فرنگ را همراهی کند. رکاب: روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۰، ص ۹۹۴.

۳. دکتر فورریه، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال، تهران، علمی، ص ۷.

۴. ایران دیروز، ص ۲۸۵.

شاه در منزل امین‌السلطان اقامت گزید. این اقامت اجباری در تهران برای میرزا رضا هیچ لطفی نداشت و شیفتگی به زندگی در فرنگ چنان بود که او برای ترک ایران لحظه شماری می‌کرد، چنانچه وقتی که امین‌السلطان به وی پیشنهاد شغل کمیسری در بانک شاهنشاهی را با حقوق سالی سه هزار تومان داد، او به اصرار از امین‌السلطان خواست: به شاه عرض کنید که اگر می‌خواهند احسانشان را درباره من تکمیل فرمایند باز در خارجه مأموریتی بدهند، من نمی‌توانم در تهران بمانم.^۱

اصرار میرزا رضا و مساعی امین‌السلطان سرانجام نتیجه خود را داد، در ربیع‌الثانی سال ۱۳۰۷ق ناصرالدین شاه او را به جاجرود احضار و با اعطای لقب معین‌الوزاره به سرکنسولی قفقاز منصوب کرد و در ضمن درآمد تذکره ایرانیان در قفقاز را که درآمدی چشمگیر بود به کل به وی سپرد.^۲ احتشام‌الدوله در خاطرات خود دستیابی به این پست مهم در وزارت امور خارجه را از نتایج خوش خدمتی‌های میرزا رضا به امین‌السلطان و عملاً خلوت برشمرده است.^۳ میرزا رضا خان معین‌الوزاره تا سال ۱۳۱۳ق در این سمت فعال بود. معین‌الوزاره در سفری که امین‌اقدس همسر سوگلی ناصرالدین شاه برای مداوا به فرنگستان داشت مأمور مهمانداری وی شد و این مهمانداری برای وی از نظر مالی بسیار سودآور بود، اعتمادالسلطنه در روزنامه خاطرات خود در این خصوص نوشت:

چهارشنبه ۷ ذی‌القعدة ۱۳۰۷، چیزی که محل تعجب است این است پنجاه فرمان نشان سفید مهر بدون تعیین درجه که [ناصرالدین شاه] همراه امین‌اقدس کرده بود سی و هشت طغرا از آنها را بطور انعام به میرزا رضا خان قونسول تغلیس داده‌اند که بهرکس می‌خواهد بفروشد. حالت متمولین روس و قید آنها به نشان معین است. البته میرزا رضا خان به ده هزار تومان فرامین را خواهد فروخت.^۴

درآمد میرزا رضا به خاطر فروش تذکره به صورت فرایندهای افزایش یافت، چنانچه خود او در خاطراتش به این مسئله اذعان دارد. ساخت هتل فیروزه در شهر بورژم از همین راه برای وی مقدور شد. او این هتل را در سال دوم اقامت در تغلیس احداث کرد و برای تزئین آن از قزوین بنا آورد. به فاصله اندکی قصر الماس را در همین شهر ساخت. ساخت این قصر یک سال به طول انجامید و از آیینه کاران ایرانی، حجاران ایتالیایی برای احداث این کاخ استفاده کرد. در دوران اقامت در تغلیس میرزا رضا خان با دختری از خاندانهای اشرافی تغلیس ازدواج کرد و در سال ۱۳۱۲ق از وی صاحب پسری به نام

۱. ایران دیروز، ص ۳۰۲. ۲. ایران دیروز، ص ۳۰۸.

۳. خاطرات احتشام‌السلطنه، به کوشش سید محمد مهدی موسوی، تهران، زوار، ۱۳۶۷، ص ۱۹۵.

۴. روزنامه خاطرات، ص ۷۰۲.

حسن شد. از دیگر اقدامات وی در این دوران، چاپ کتابی به نام منتخب دانش، شامل اشعار و حکایات خود بود.

در رمضان ۱۳۱۲ق، میرزا محمود خان علاءالملک وزیر مختار ایران در پترزبورگ به سفارت در اسلامبول مأمور و به جای وی میرزا رضا خان معین‌الوزاره به وزیر مختاری ایران در پترزبورگ منصوب شد. این پست از مناصبی بود که بسیاری آرزوی آنرا داشتند، بنا به نوشته محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در سال ۱۳۱۰ق، او خود از مشتاقان این پست بوده و از طریق واسطه‌ای به امین‌السلطان تمایل خود را در خصوص احراز این پست ابراز داشته بود.^۱ شاید همین ناکامی اعتمادالسلطنه بود که باعث شد در روزنامه خاطرات خود پس از درج خبر مربوط به وزیر مختار جدید الفاظ رکیکی برای وی بکار برد و با آوردن این بیت شعر: چنین است رسم سرای سپنج، افسوس خود را بیان داشت و ترقی میرزا رضا را نتیجه خوش خدمتی به امین‌السلطان دانست.^۲

در محرم سال ۱۳۱۳ق، میرزا رضا از سوی ناصرالدین شاه و به پیشنهاد میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان، ملقب به ارفع‌الدوله شد که از جمله القابی بود که تاکنون به کسی داده نشده بود و پس از گذشت چند ماه در رمضان ۱۳۱۳ق به تصویب امین‌السلطان به منصب امیر تومانی ارتقاء پیدا کرد.^۳ پس از ترور ناصرالدین شاه و به سلطنت رسیدن مظفرالدین شاه در سال ۱۳۱۴ق اختلافی بین دولت ایتالیا و دولت ایران بر اثر شکایت یکی از تجار ایتالیایی برای دریافت خسارت مال‌التجاره‌اش رخ داد که حکمیت این اختلاف بر عهده پادشاه سوئد نهاده شد و میرزا رضا خان ارفع‌الدوله نیز باحفظ سمت خود، به وزیر مختاری سوئد و نروژ نیز منصوب شد و برای جلب نظر پادشاه سوئد به این کشور رفت،^۴ رای پادشاه سوئد در این حکمیت به نفع ایران داده شد. او در همین سال از سوی شاه به پرنس ملقب شد و از تمام امتیازات خاندان سلطنتی برخوردار گشت.^۵

رتال جامع علوم انسانی

۱. روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه. ص ۸۲۰.
۲. پیشین. ص ۹۹۴.
۳. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه. خلسه مشهور به خواننامه، به کوشش محمود کتیرایی. تهران. توکا. ۱۳۵۷.
- صص ۱۷۶-۱۷۵.
۴. خاطرات احتشام‌السلطنه، به کوشش محمد موسوی. تهران. ص ۳۶۰.
۵. مهدی بامداد در کتاب شرح حال رجال در خصوص حکم این لقب فرمانی از مظفرالدین شاه به تاریخ ۲۵ ربیع‌الاول ۱۳۱۸ به این مضمون که در این روز شاه در سفارت مهمان بوده آورده و به خاطر خوش خدمتی ارفع‌الدوله در پذیرایی از وی این لقب را به وی داده است. اما در سفرنامه مظفرالدین شاه روز مهمانی سفارت ۲۳ ربیع‌الاول نوشته شده و اشاره‌ای به این حکم نیز در آن نیست. خود ارفع‌الدوله در خاطراتش دریافت این لقب را مربوط به جریان حل مسئله بین ایران و ایتالیا می‌داند. ظهیرالدوله نیز در سفرنامه خود روز مهمانی را ۲۳ ربیع‌الاول نوشته و او نیز از اعطای این لقب در چنین روزی سخنی نگفته است. اما در

با برکناری امین‌السلطان از مسند صدارت، با توجه به مناسبات تنگاتنگ امین‌السلطان و ارفع‌الدوله دستور بازگشت وی به تهران داده شد و به جای وی میرزا محمود خان احتشام‌السلطنه به این سفارت منصوب شد. در همین زمان ممتحن‌الدوله از تهران به او خبر داد که عبدالحمین میرزا فرمانفرما وزیر جنگ دولت بدون صدراعظم مظفرالدین شاه، قصد تبعید وی به قم در نزد امین‌السلطان را دارد و در صورت امکان از بازگشت به تهران خودداری کند.^۱ میرزا رضا برای حفظ مقام خود تلاش بسیار کرد در این اوقات مسئله‌ای بین ایران و روس پیش آمد و آن به این صورت بود که با شیوع بیماری وبا، دولت روس برای جلوگیری از ورود این بیماری از طریق مرزهای جنوبی خود قرنطینه‌ای در سرحد افغانستان و سیستان ایجاد کرد و به این بهانه که دولت ایران در مرز سیستان نیروی نظامی ندارد قصد داشت سیصد سوار قزاق به سیستان اعزام کند. مسئله‌ای که باعث اختلاف شد این بود که علمای مشهد با عبور قزاق از خاک خراسان مخالف بودند و دولت روس بدون توجه به خواسته علما درصدد انجام مأموریت خود بود و به همین منظور برای حمایت این سیصد قزاق قشونی تدارک دید که بر اعتراضات افزود. ظاهراً تمام این بحران به نفع ارفع‌الدوله تمام شد. میرزا نصرالله خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه در تلگرافی از وی خواست تا راه حلی برای این مسئله بیاندیشد و در صورت موفقیت در مقام خود ابقاء خواهد شد. ارفع‌الدوله مکتوبی به وزارت خارجه روسیه نوشته و در انتها قید کرد که در صورت حل این مسئله او در مقام خود ابقاء خواهد شد، همین امر بیانگر نزدیکی او به سیاست روسیه بود و بدینوسیله قصد داشت تا از شرایط پیش آمده به نفع خود بهره برداری لازم را بنماید. او مکتوب را خود به نزد وزیر خارجه وقت روسیه کنت لئزدورف برد و موفق به حل مسئله شد. دولت روس از اعزام نیروی قزاق به سیستان منصرف شد و میرزا رضا به پاس این خدمت خود در ربیع‌الاول ۱۳۱۵ق علاوه بر دریافت یک زوج سردوشی الماس درجه دوم در مقام خود ماندگار شد.^۲ البته شایان ذکر است که تنها این مسئله باعث ابقای وی نباید شده باشد و بطور حتم ارفع‌الدوله مقادیری رشوه و پیشکش برای دربار مظفرالدین شاه ارسال داشته بود. میرزا محمودخان احتشام‌السلطنه در خاطرات خود به این مسئله به صراحت اشاره میکند و علت ابقای او را در منصبش چنین شرح می‌دهد:

آقای ابوالقاسم خان ناصرالملک که به سمت سفارت فوق العاده به اسلامبول و

→ روزنامه شرافت سال دریافت این لقب ۱۹۰۰ قید شده است و از سویی دیگر در روزنامه ثریا مورخ ۱۶ ربیع‌الاول ۱۳۱۸ لقب پرنس را از القاب ارفع‌الدوله ذکر شده است که تاریخ آن مغایر با فرمان مظفرالدین شاه است. به همین مناسبت در این مقاله دریافت لقب در این سال آورده شد.

۱. ایوان دیروز. ص ۳۵۰. ۲. ایران دیروز. ص ۳۵۳.

روسیه و چند پایتخت دیگر رفته بودند در پترزبورگ با میرزا رضا خان ارفع‌الدوله روی هم ریخته و چون اطلاع از عزل او پیدا می‌کنند تلگرافی به طهران مخابره کردند که امپراطور در حاشیه راپورت وزیر خارجه روسیه راجع به احضار ارفع‌الدوله نوشته خیلی جای افسوس است. و در همین تلگراف از شاه و دولت تقاضای تجدید نظر درباره عزل و تعیین سفیر کبیر پترزبورگ کرده بودند... به اقدامات دیگری در طهران برای ابقای خود دست زد و از جمله پنجهزار تومان پول و یک دست مبل قیمتی به فرمانفرما پیشکش کرد...^۱

ارفع‌الدوله پس از ابقاء در پست خود از وزارت خارجه درخواست موافقت با انتصاب فرزند خردسالش به نیابت دومی سفارت پترزبورگ را نمود که پذیرفته شد و میرزا حسن خان ملقب به ارفع‌السلطان شد.^۲ با روی کار آمدن مجدد امین‌السلطان در ربیع‌الاول سال ۱۳۱۶ق، بار دیگر اوضاع بر وفق مراد ارفع‌الدوله شد. در ابتدای سال ۱۳۱۷ق کنفرانس صلح که موضوع آن خلع سلاح کشورهای قدرتمند و برقراری صلح در میان ملل جهان بود با شرکت بیست و پنج دولت در شهر لاهه به پیشنهاد نیکلای دوم امپراتور روسیه برگزار شد. نماینده دولت ایران در این کنفرانس ارفع‌الدوله بود، در این کنفرانس میان روسیه و آلمان اختلاف نظر بوجود آمد ولی ارفع‌الدوله به حمایت از پیشنهادات روسیه پرداخت و در بازگشت از سفر خود ملقب به پرنس صلح شد.

میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان بلافاصله پس از روی کار آمدن خود در صدد برآمد تا به مسئله استقراض از دول خارجی که از زمان صدارت میرزا علی خان امین‌الدوله موضوع آن مطرح بود سر و سامان بخشد. میرزا علی خان امین‌الدوله از کشورهای بی طرفی چون فرانسه، بلژیک و هلند تقاضای وام کرده بود ولی تلاش‌های وی از سوی دول قدر قدرتی چون روسیه و انگلیس با ناکامی روبرو شده بود. امین‌الدوله سپس با دولت انگلستان وارد مذاکره شد ولی از سویی شرایط انگلیس برای پرداخت وام سنگین و مغایر با خواسته‌های دولت ایران بود و از سوی دیگر روسها با این امر به شدت مخالف بودند. زمانی که امین‌السلطان روی کار آمد باز هم مسئله استقراض را با انگلیس‌ها مطرح کرد ولی شرایط همان شرایط سابق بود،^۳ و امین‌السلطان نیز بالطبع

۱. خاطرات اختتام‌السلطنه. صص ۲۵۹-۲۵۸.

۲. حسن ارفع در کتاب خود انتصاب به این پست و دریافت این لقب را مربوط به سال ۱۳۱۸ می‌داند ولی منبع مورد استفاده در این مقاله خیر روزنامه ایران به تاریخ ۲۴ شوال ۱۳۱۵ق می‌باشد.

۳. شرایط انگلستان برای پرداخت وام به ایران عبارت بود کاستن از میزان وام دو میلیون لیره‌ای، گرو برداشتن عایدات گمرکات جنوب و اداره گمرکات جنوب به دست انگلیسی‌ها. پس از مخالفت ایران با این شرایط،

دست به سوی روسیه تزاری دراز کرد. در همان نخستین ماه‌های صدارت خود پس از رسیدن به توافقاتی در خصوص این قرضه با ارگبروپولو وزیر مختار روسیه در ایران، در تلگراف رمزی از میرزا رضا خان ارفع الدوله خواست تا برای دریافت وام با وزیر مالیه روسیه وتیه وارد مذاکره شود.^۱ میرزا رضا در ایران دیروز به خودستایی پرداخته و برای اینکه نقش خود را در این خصوص کم‌رنگ نمایاند به عنوان یک میهن پرست می‌نویسد که با پیشنهاد قرضه از روسیه مخالفت کرده و به امین‌السلطان پیشنهاد داده است که به جای قرض از دول خارجی از مواجب دولتمردان و سفرا کاسته شود، در ضمن از املاک خصوصی نیز مالیات گرفته شود ولی تحت فشار وزارت امور خارجه مجبور به مذاکره برای استقراض شده است.

میرزا رضا خان ارفع الدوله برای تعیین شرایط استقراض با وتیه وزیر مالیه و کنت مورایف^۲ وزیر امور خارجه روسیه وارد مذاکره شد و از وی خواست تا شرایط را برای این کار سهلتر بنماید، یکی از شرایط اولیه روسیه برای استقراض به ایران گرو نهادن گمرکات شمال و جنوب ایران بود که گمرک جنوب عملاً در اختیار انگلیس‌ها بود و احتمال می‌رفت این اقدام بیشتر از پیش بر خشم انگلستان بیافزاید. ارفع الدوله در این خصوص با وزیر خارجه روسیه به بحث پرداخت و از سوئی به روسیه هشدار داد که چنانچه با شرایط ایران موافقت به عمل نیآورد احتمال برکناری امین‌السلطان و روی کار آمدن مجدد امین‌الدوله انگلوفیل خواهد بود، ارفع الدوله در گزارش شماره ۳۱۲ مورخ دهم شعبان ۱۳۱۷ق خطاب به امین‌السلطان در این خصوص نوشت:

صدراعظم سابق شصت میلیون فرانک از انگلیسها قرض کرده^۳ و پول در بانک انگلیس حاضر و فقط منتظر امضای قرارنامه بودند که جناب اشرف آقای امین‌الدوله معزول و حضرت مستطاب اشرف آقای امین‌السلطان به صدرات ایران منصوب شد اول کاری که کردند قرارنامه استقراض انگلیس را به واسط دوستی و خواهش روسها بهم زده و خواست این قرض را توسط آنها بکنند...حالا صریحاً می‌گویم اگر چنانچه چند میلیون منات عجالنا پیشکشی به دولت ایران ندهید و وعده صریح ندهید همین که صرافخانه‌های فرنگستان بحال بیاید عمل شصت میلیون فرانک استقراض را خواهید گذرانید و دولت ایران را آسوده خواهید ساخت فی الفور حضرت صدرات

→ انگلیسی‌ها شرایط تازه‌ای پیشنهاد کردند که عبارت بود از وامی به مبلغ یک میلیون و دویست و پنجاه هزار لیره به مدت پنج سال با سود صدی پنج و گرو برداشتن مالیات کل کشور و درآمد گمرکات جنوب. آنان حتی صورت قرارداد این وام را در هفت فصل تنظیم کرده بودند که امین‌الدوله برکنار شد.

۱. ایران دیروز، ص ۳۶۶.

۲. میرزا رضا در ایران دیروز وزیر امور خارجه وقت روسیه را لامزدورف نام برده است، ص ۲۷۱.

۳. اشاره به وام یک میلیون و دویست و پنجاه هزار لیره‌ای پیشنهادی انگلستان است.

پناهی استغفاء خواهند داد و جناب امین‌الدوله سرکار خواهد آمده همان روز اول از انگلیسیها شصت میلیون را خواهد گرفت...^۱

به هر حال مذاکرات ارفع‌الدوله با کنت موراویف به نتیجه رسید او موفق شد که وزیر خارجه را در خصوص برداشتن شرط گروهی گمرکات جنوب، عدم حضور مأمورین روس در گمرکات شمال برای نظارت و برداشتن شرط گروه نهادن مالیات کل کشور در صورت عدم پرداخت اقساط وام راضی کند. از دیگر شرایط این وام این بود که ایران من بعد هیچ وامی بدون اجازه دولت روس نباید دریافت کند که این شرط هم به پیشنهاد ارفع‌الدوله به این شکل تغییر یافت که تا زمان بازپرداخت وام به روسیه، ایران از هیچ کشوری تقاضای وام مجدد نخواهد کرد. دو شرط دیگر پرداخت وام پس از مذاکرات ارفع‌الدوله پرداخت قروض ایران به روس و انگلیس و شرط بعدی واگذار نکردن امتیاز راه‌آهن به دولت دیگری غیر از روس در مدت ده سال بود. میرزا رضا پس از مذاکرات خود با نمایندگان روسیه شرایط جدید را همان روز دهم شعبان به امین‌السلطان اعلام کرد که در صورت توافق وی قرارداد تدوین و امضاء شود. این شرایط از سوی امین‌السلطان تأیید شد. ظاهراً امین‌السلطان در خصوص واگذاری کل گمرکات به روسها موافق بوده است چرا که ارفع‌الدوله در تلگراف مورخ ۳ رمضان خود به این موضوع اشاره دارد و می‌نویسد:

در صورتی که فدوی بازحمت روس‌ها را راضی کرده است که شصت میلیون و به ضمانت سایر گمرکات بدهند چه اضرائی است که به دست خودمان دشمنی مثل انگلیس برای خودمان بتراشیم کلید بنادر رایه دست روس‌ها بدهیم...^۲

به هر حال مذاکرات بین دولتمردان به انجام رسید و در ۲۳ رمضان ۱۳۱۷ کنت موراویف از وزیر مختار روس در ایران خواست تا به طور رسمی شرایط وام را به دولت ایران اعلام کند تا در صورت توافق میرزا رضا به عنوان وکیل بلاعزل دولت ایران آنرا امضاء کند،^۳ امین‌السلطان نیز در مکتوب مورخ ۲۴ رمضان ۱۳۱۷ ق خطاب به وزیر مختار روس تأیید کرد که میرزا رضا وکیل بلاعزل دولت ایران در این قرارداد می‌باشد.^۴ ارفع‌الدوله امضای قرارداد وام دو میلیون لیره‌ای از روسیه را سرانجام در ۲۸ رمضان ۱۳۱۷ به امین‌السلطان گزارش داد، در این گزارش او از زحمات فراوان خود بسیار قلم

۱. ابراهیم تیموری. عصر بی‌خبری یا پنجاه سال استبداد در ایران تاریخ امتیازات در ایران. تهران. اقبال. ۱۳۵۷. ص ۳۷۶.
 ۲. استاد نویافته. به کوشش ابراهیم صفایی. ص ۱۹۴.
 ۳. حاتم قادری. پژوهشی در روابط ایران و روسیه شوروی یا قرارداد ۱۹۲۱. تهران. بی‌نا. ص ۴۶.
 ۴. استاد سیاسی دوران قاجاریه. به کوشش ابراهیم صفایی. بی‌جا. بی‌نا. ص ۲۱۳.

فرسایبی کرد و موفقیت خود را تفضل خداوندی خواند و استقراض را خدمتی بزرگ به دولت عنوان کرد.^۱ او در نامه ۲۹ رمضان خود به امین‌السلطان کلیه گزارش‌های مربوط به این استقراض را ضمیمه کرد و از وی خواست:

... در انجام مستدعیات و عرایض جان نثار که که در ضمن راپورت‌های جداگانه عرض شده است از بذل مرحمت و توجه خاصه مضایقه فرموده و انجاح آنها چاکر را قرین افتخار بفرمایید...^۲

در حاشیه این نامه مظفرالدین شاه به امین‌السلطان دستور پرداخت هزار تومان به ارفع‌الدوله را داده است. این مبلغ پاداشی اندک برای ارفع‌الدوله محسوب می‌شد و منابع این دوره روایت‌های مختلفی در خصوص میزان مبلغی که از این استقراض حاصل وی شده است ذکر کرده‌اند. ظاهراً میرزا نصرالله خان مشیرالدوله و امین‌السلطان و ارفع‌الدوله هر یک به میزان مساوی در این پاداش سهم داشتند.^۳ میرزا رضایک ماه بعد در نامه‌ای به امین‌السلطان مراتب قدردانی وزیر خارجه روسیه را مجدداً به وی ابلاغ کرد. مورایف استقراض را نتیجه تلاش صدراعظم و ارفع‌الدوله می‌دانست و آنرا عملی برای رهایی ایران از چنگ انگلیس برشمرد.^۴ معروف است که ارفع‌الدوله قلمی را که بوسیله آن این قرارداد را امضاء کرده به یادگار در موزه خود در موناکو حفظ کرده است.

به فاصله کوتاهی با استفاده از این وام مظفرالدین شاه در ذی الحجه ۱۳۱۷ق راهی اولین سفر خود به فرنگستان شد و در پترزبورگ ارفع‌الدوله در سفارت به مناسبت ورود شاه مهمانی مفصلی ترتیب داد. پس از چندی از سوی شاه به سفارت مخصوص برای شرکت در جشن بیست و پنجمین سال سلطنت سلطان عبدالحمید دوم مأمور شد. مأموریت‌های وی دیگر چنان بی رویه بود که روزنامه شرافت در شرح حال وی نوشت: «هر جا که یک مأموریت اهمی است ما پرنس معزی‌الیه را در آنجا نماینده می‌بینیم».^۵ حاصل این مأموریت یک نشان مجیدی درجه اول مکمل به الماس بود.

۱. اسناد سیاسی. ص ۲۱۵.

۲. نهضت مشروطه ایران، بر پایه اسناد وزارت امور خارجه. تهران. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. ۱۳۷۰. ص ۳۳.

۳. مجدالاسلام کرمانی سهم ارفع‌الدوله را یک کرور تومان ذکر کرده است و حسین‌قلی خان نظام‌السلطنه مبلغ پنج کرور را ذکر کرده که بین مشیرالدوله، امین‌السلطان و ارفع‌الدوله تقسیم شد. رک به: خاطرات و اسناد حسین‌قلی خان نظام‌السلطنه. به کوشش معصومه مافی و دیگران. تهران. نشر تاریخ ایران. ۱۳۶۲. ج ۱، ص ۲۶۹. احمد مجدالاسلام کرمانی. تاریخ انحلال مجلس، فصلی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. مقدمه و تحشیه: محمود خلیل‌پور. اصفهان. دانشگاه اصفهان. ۱۳۵۱. ص ۱۸۲.

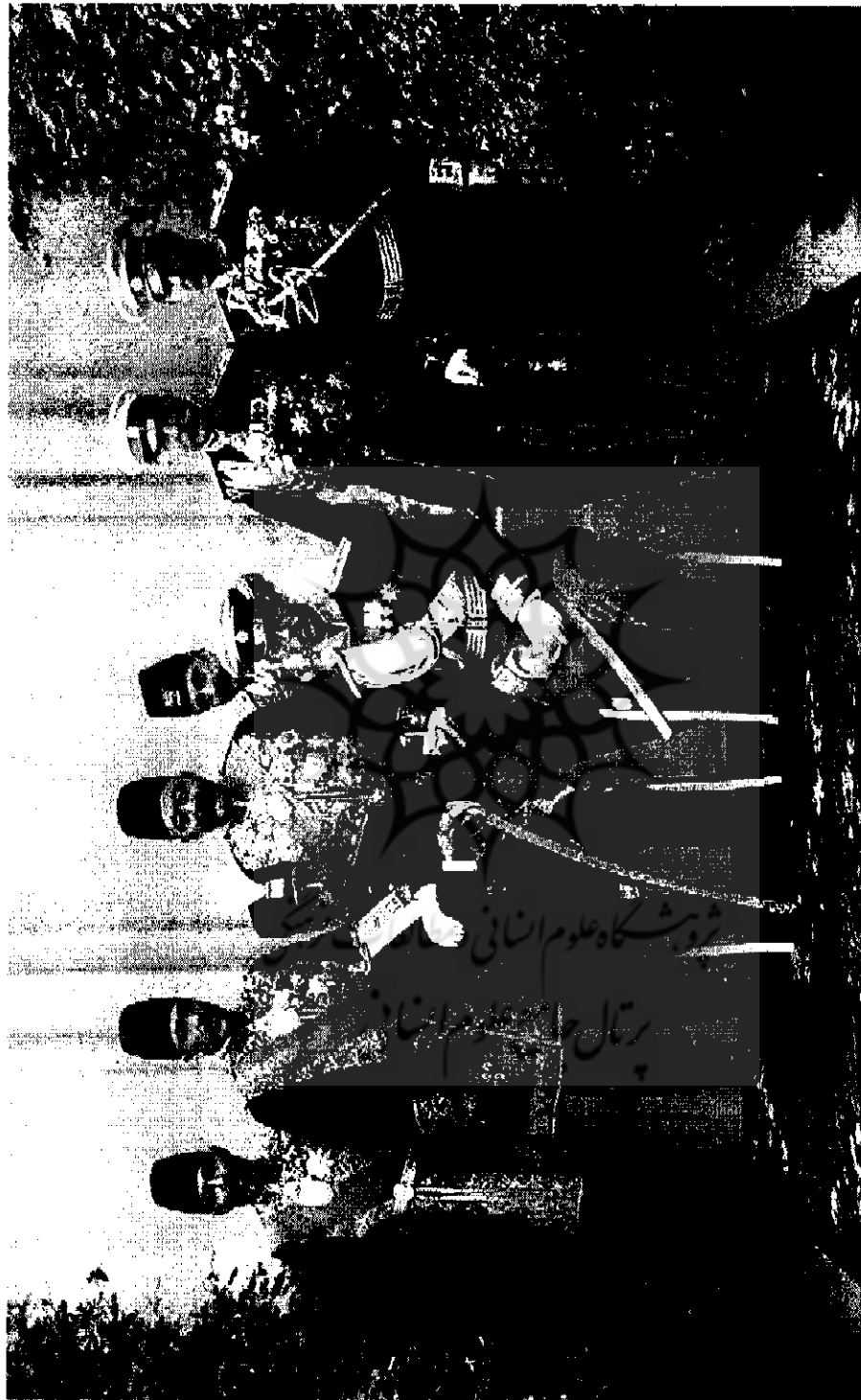
۴. اسناد سیاسی. صص ۲۱۷-۲۱۶.

۵. روزنامه شرافت. شماره ۵۶، جمادی الاول ۱۳۱۹. ص ۲۳۴.

ارفع‌الدوله در سال ۱۳۱۸ از سوی دربار مأمور پیدا کردن یک معلم روسی برای محمدعلی میرزا ولیعهد شد و انتخاب وی در این مورد سرگی مارکویچ شاپشال بود.^۱ از دیگر اقدامات وی در دوران سفارت پطرزبورگ تأسیس دبستان دانش در سال ۱۳۱۷ق^۲ در تهران بود، او که شیفته آن بود که در هر موردی شهرت یابد بهترین فرصت عرضه اندام را در این اوقات که معارف خواهی و تأسیس مدارس گوناگون باب شده بود دید و به پیشنهاد میرزا محمود خان مفتاح‌الملک که در جرگه معارفخواهان قرار داشت به جمع‌آوری مقداری وجه برای کمک به مدرسه افتتاحیه نمود و به فاصله کوتاهی هزینه تأسیس دبستانی تحت عنوان دانش را برای مفتاح‌الملک ارسال کرد این دبستان در ساختمان مدرسه افتتاحیه قرار داشت. تا اینکه در سال ۱۳۱۸ق مدرسه افتتاحیه بهم خورد و ارفع‌الدوله در صدد برآمد تا دبستان دانش را به صورت مستقل ایجاد کند. به همین منظور با حاج حسین خان امین‌الضرب در پطرزبورگ ملاقات کرد و امین‌الضرب بخشی از یک ملک خود را در کوچه آب منگل برای این مدرسه به ارفع‌الدوله واگذار و خود ارفع‌الدوله نیز زمین‌های پیرامون این ملک را برای دبستان دانش خریداری کرد.^۳ برای سرپرستی این دبستان نیز یحیی دولت‌آبادی انتخاب شد، او در ابتدا از پذیرش این مسئولیت سرباز زد ولی به اصرار مشیرالدوله و میرزا حسن خان مشیرالملک آنرا پذیرفت.^۴ در این مدرسه صنایع گوناگونی چون نساجی، نجاری و کفاشی به اطفال بی‌بضاعت آموزش داده می‌شد.^۵ میرزا یحیی دولت‌آبادی در خصوص تأسیس این مدرسه در عین تعریف و تمجید از ارفع‌الدوله شخصیت وی را به تصویر کشیده است و او را ذاتاً نامجو، شهرت طلب معرفی کرده و با توصیف دولت‌آبادی می‌توان پی برد که هدف از تأسیس این مدرسه چیزی جز نمایش نبوده است:

در این ایام که صدای اشتها معارفی ایران در روسیه بلند می‌گردد او نیز در صدد می‌شود سری در میان سرهای معارف پرور داخل نموده شرکتی نموده باشد... تنها دلخوش است که گاهی در جراید مخصوصاً در روزنامه معارف اسمی از دبستان دانش یا تجلیلی که از او شده باشد بخواند و یا صفحه عکس غده‌ای از کودکان با

۱. ایوان الکسیویچ زینویف. انقلاب مشروطیت ایران نظرات یک دیپلمات روس. ابوالقاسم اعتصامی. تهران، اقبال، ۱۳۶۲، ص ۳۸. ۲. روزنامه معارف، نمره ۱۴، ۱۵ صفر ۱۳۱۷، ص ۳. ۳. محمدجواد هوشمند. تاریخ پرنس ارفع دانش. تهران، شرکت مطبوعه طلوع، ۱۳۱۵، ص ۳۱. ۴. یحیی دولت‌آبادی. حیات یحیی. تهران، عطار و فردوسی، ۱۳۶۱، ج ۱ ص ۲۸۳. ۵. محمد حسین محبوبی اردکانی. تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ج ۱ ص



ارفع الدوله. وزیر مختار ایران در پترزبورگ به همراه مظفرالدین شاه و علی اصغر امین السلطان، میرزا محمودخان حکیم الملک و ولیعهد روسیه در نخستین سفر شاه به اروپا ۱۳۱۷-۱۳۲۴ |

لباس یکجور و نشان دبستان دانش بر کلاه آنها دیده به این و آن بنماید...^۱

در سال ۱۳۱۹ق امین‌السلطان در تلگراف رمزی به ارفع‌الدوله خبر داد که به جای میرزا محمود خان علاء‌الملک به سمت سفیر کبیری در اسلامبول منصوب شده است. ارفع‌الدوله که تا بحال شیفته زندگی در روسیه بود احساس خطر کرد که چنانچه برای ماندن در پترزبورگ اصرار کند دیگر حمایتی از تهران نخواهد شد چرا که این بار برای سفارت پترزبورگ فرزند مشیرالدوله، میرزا حسن خان مشیرالملک انتخاب شده بود و مانند دفعه پیش هیچ جایی برای چانه‌زنی وجود نداشت و از سوی سفارت اسلامبول نیز از سفارتهای مهم این دوره بود که برای ارفع‌الدوله بیزار از زندگی در وطن باز هم فرصت مناسبی محسوب می‌شد. او در خاطرات خود از ترک روسیه به علت بیماری و ناسازگاری آب و هوای پترزبورگ با سلامت ابراز خوشحالی کرده است.^۲ میرزا رضا به تهران آمد و در منزل مشیرالدوله مستقر شد و پس از چندی به منزل دوست دیرین خود امین‌السلطان رفت. بسیاری از کسانی که از بابت استقراض منتفع شده بودند:

به شاه گفتند ما می‌خواهیم به شرف ارفع‌الدوله مهمانی بدهیم یک شی حاجب‌الدوله در نازآباد مهمانی ترتیب داد، یک شب سلطانعلی خان وزیر بقایا، یک شب حاجی ناصر السلطنه...^۳

ارفع‌الدوله در تهران به مدرسه دانش نیز سرکشی کرد و به علت کدورت بین وی و میرزا یحیی خان دولت‌آبادی و بنا به توصیه امین‌السلطان، توسط ممتحن‌الدوله به وی پیغام داد که از مدیریت دبستان دانش استعفاء دهد که این مسئله به زودی منتفی شد و پس از مدت کوتاهی مجدداً از دولت‌آبادی دعوت به کار کرد.^۴ از دیگر اقدامات وی در تهران، ملاقات با میرزا حسن خان رشیدی در منزل اتابک بود. در این ملاقات میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان از رشیدی در خصوص شننامه‌های که علیه وی چاپ می‌شد بازخواست کرد و ارفع‌الدوله به عنوان واسطه پس از عنوان کردن پیشنهاداتی چون پول، خانه، خالصه دولتی، پست در وزارت علوم و... از رشیدی خواست تا دست از مخالفت با امین‌السلطان و حمایت از حکیم‌الملک بردارد و حکیم‌الملک را مسئول نگارش شننامه علیه اتابک معرفی کند.^۵

دوران اقامت ارفع‌الدوله در تهران چندان طول نکشید و پس از دریافت مقام سرداری راهی اسلامبول شد، در هنگام مرخصی از حضور مظفرالدین شاه، شاه از وی خواست

۱. حیات یحیی، ج ۱، صص ۲۴۳-۲۴۲.

۲. ایران دیروز، ص ۳۸۱.

۳. ایران دیروز، ص ۳۸۳.

۴. حیات یحیی، ج ۱، صص ۲۹۳-۲۹۱.

۵. شمس‌الدین رشیدی، سوانح عمر، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲، صص ۵۳-۵۱.



ارفع الدوله و علی اصغر خان امین السلطان در حال سیاحت در مصر | ۲۶۸۶-۴

تا با سیاست‌های عثمانی در خصوص اتحاد اسلام همراهی لازم را به عمل آورد و به سلطان عبدالحمید نیز مساعدت ایران را اعلام کند.^۱ از اقدامات وی در نخستین سال سفارت تغییر قرارداد گمرکی ایران و عثمانی با تحریک روسیه بود، چرا که روسیه در سال ۱۳۱۹ ق قراردادی مبنی بر تغییر تعرفه گمرکی با ایران انعقاد کرده بود و تعرفه جدید گمرک را به نفع خود کاهش داد، از آنجا که احتمال می‌داد انگلیس که در این میان متضرر می‌شد درصدد تغییر تعرفه گمرکی خود برطبق قانون ملل کامله الوداد برآید، ارفع الدوله مأمور بستن قرارداد با عثمانی جهت افزایش تعرفه گمرکی شد.^۲ ارفع الدوله برای انعقاد این قرداد با سفارت روسیه در اسلامبول دائم در تماس بود و این اقدام خود را در راستای منافع ملی ایران توجیه می‌کرد:

یقین دارم این عمل تعرفه اگر در ایران مجری شود سه چهار کرور به واردات گمرک ایران می‌افزاید لهذا هرگاه پول لازم باشد می‌نویسم از دولت متبوعه خود گرفته به عثمانی‌ها به هرکس لازم است می‌دهم و امیدوارم که بی پول کار را از پیش

۱. یادبودهای سفارت استانبول، ص ۲۷۷.

۲. عصر بی‌خبری، صص ۳۹۹-۳۹۶.

بیرم اگر با پول بشود برای من شرفی نخواهد داشت...^۱

اصرار سفارت روسیه در عثمانی و تلاش‌های ارفع‌الدوله سرانجام نتیجه خود را بخشید و قرارداد افزایش تعرفه گمرکی بین ایران و عثمانی به امضاء رسید. دولت روسیه به پاس کوشش دوست دیرین خود در این ماجرا او را مفتخر به دریافت یک نشان سن‌الکساندر کرد.^۲ امضای این قرارداد اعتراض دولت انگلستان را برانگیخت و یک سال بعد قراردادی مشابه قرارداد گمرکی ایران و روسیه بین ایران و انگلستان منعقد شد. ارفع‌الدوله در دومین سال سفارت خود در عثمانی، از سوی مظفرالدین شاه مأمور به شرکت در مراسم تاجگذاری آلفونس سیزدهم پادشاه اسپانیا شد و پس از شرکت در این مراسم به دیدار مظفرالدین شاه که در اطریش بود شتافت. مظفرالدین شاه در سفرنامه خود پس از این ملاقات از او به عنوان نوکری قابل تعریف کرده است.^۳

ارفع‌الدوله در سال ۱۳۲۲ق از سوی سلطان عبدالمجید میرزا عین‌الدوله، صدراعظم وقت به طهران احضار شد. او در دوم جمادی‌الثانی ۱۳۲۲^۴ به تهران آمد و نزد عین‌الدوله منزل گزید. این احضار در پی تغییر ساختاری بود که عین‌الدوله پس از تحویل پست صدرات از امین‌السلطان درصدد آن بود و به همین منظور بسیاری از رجال را به مرکز دعوت کرد. عبدالحسین خان سپهر در یادداشتهای خود در خصوص احضار ارفع‌الدوله معتقد است که این احضار برای عزل وی بود ولی حمایت روسها مانع این امر شد.^۵ تاریخ‌پیداری ایرانیان و خاطرات احتشام‌الدوله^۶ در خصوص احضار وی به تهران روایت دیگری دارند که عین‌الدوله با احضار ارفع‌الدوله به تهران مشیرالدوله وزیر امور خارجه را تهدید کرد که ارفع‌الدوله برای پست وزارت خارجه به تهران احضار شده است و چنانچه وی برای حفظ پست خود اصرار دارد بهتر است مبلغی به شاه و صدراعظم هدیه دهد، از سویی نیز ارفع‌الدوله را تهدید به برکناری از پست سفارت نمود و مبلغی نیز از وی دریافت کرد. البته نباید فراموش کرد که هر دوی این منابع از مخالفان سلطان عبدالمجید میرزا عین‌الدوله می‌باشند. به هر حال ارفع‌الدوله از پست خود برکنار نشد و دوازده روز پس از ورود به تهران، در چهاردهم جمادی‌الآخر ۱۳۲۲ از سوی مظفرالدین شاه فرمان

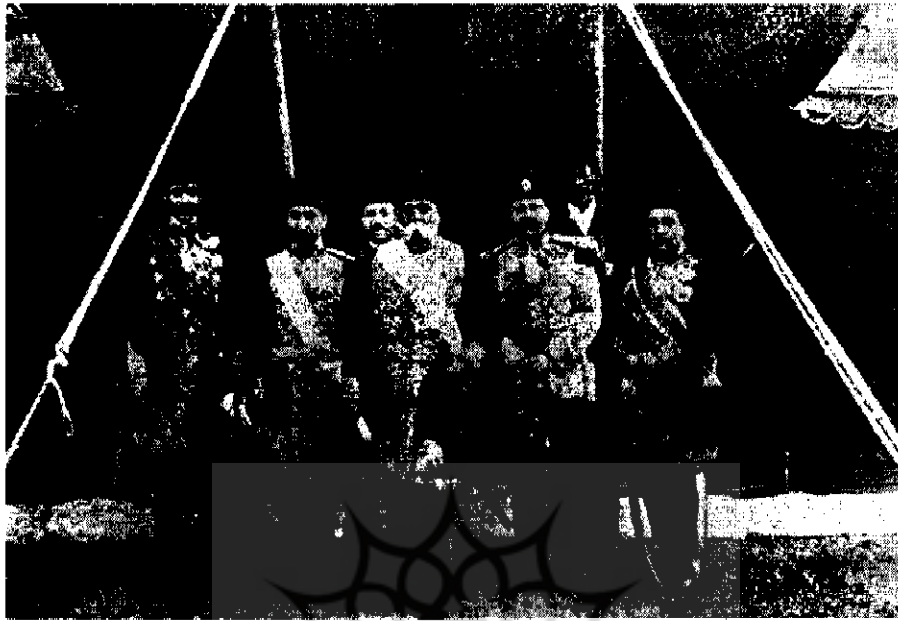
۱. عصر بی‌خبری، ص ۳۹۸. ۲. پیشین، ص ۳۹۸.

۳. دومین سفرنامه مبارکه همایونی، تهران، کاوش، ۱۳۶۲، ص ۷۵.

۴. روزنامه نوبت، سال ششم، شماره ۴، ۷ رجب ۱۳۲۲، ص ۱۵. ارفع‌الدوله در کتاب خاطرات خود هیچ اشاره‌ای به این موضوع نمی‌کند.

۵. عبدالحسین خان سپهر، مرآت‌الوقایع و یادداشتهای ملکه‌المورخین، به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی، تهران، زرین، ۱۳۶۸، ص ۸۳.

۶. رک: مجله‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، صص ۵۲۸-۵۲۷، و خاطرات احتشام‌الدوله، ص ۵۲۳.



ارفع الدوله، سلطان عبدالمجید میرزا عین الدوله در تهران، ۱۳۲۲ هـ. ق | ۴۵۷۳-۱۱

امیرنویانی و نشان و حمایل آن را دریافت کرد و شاه در حاشیه فرمان وی بار دیگر بر اینکه وی نوکری لایق و قابل است تأکید کرد.^۱ میرزا رضاخان که در مقام سفارت اسلامبول ابقاء شده بود تا اول رمضان ۱۳۲۲^۲ در تهران بود و به پیشنهاد خودش و از سوی مظفرالدین شاه مأمور شد تا پیش از رفتن به محل مأموریت خود برای تبریک تولد ولیعهد روسیه به پترزبورگ برود و بر مودت میان ایران و روسیه تأکید کند، پس از انجام این مأموریت او به اسلامبول بازگشت. در سال ۱۳۲۴ از سوی پرنس موناکو رئیس انجمن بین‌المللی صلح به عضویت در این انجمن انتخاب شد که بر افتخاراتش افزوده شد.

ارفع الدوله تا سال ۱۳۲۸ ق سفیر ایران در اسلامبول بود. سفارت اسلامبول با سفارت پترزبورگ وی تفاوت بسیار داشت و مسائل بین ایران و عثمانی کاملاً متفاوت با مسائل موجود بین ایران و روسیه بود، در سفارت پیشین موردی برای چانه زنی وجود نداشت و موضع ایران در قبال روسیه به خصوص با توجه به روسفیل بودن سفیر خود

۱. روزنامه ایران سلطانی، سال پنجاه و هفتم، شماره ۱۲، ۲ رجب ۱۳۲۲، ص ۲.

۲. روزنامه ایران سلطانی، سال پنجاه و هفتم، شماره ۱۷، ۱۴ رمضان ۱۳۲۲، ص ۱.

موضعی دوستانه بود. اما در عثمانی با توجه به مشکلات دیرین این دو کشور و تمایل به منافع روسیه در ایران، ارفع الدوله با مسائل فراوانی درگیر بود. عملکرد او در این مأموریت در چند مورد جای بررسی و تحلیل دارد: ۱- زایرین ایرانی ۲- تجاوزات مرزی عثمانی به ایران ۳- مشروطه خواهان ایرانی در اسلامبول.

ارفع الدوله پس از انتصاب به سفارت اسلامبول برادر خود علی اکبر خان مفخم السلطنه را به کنسولگری جده منصوب کرد، مفخم السلطنه به زودی با راهزنانی که به زوار ایرانی حمله می‌کردند سهمیم شد. از جمله به کاروانی که حاج شیخ فضل‌الله نوری، حسام‌الملک همدانی و... نیز در راه جده به مکه حمله شد و خسارت زیادی بر آنان وارد شد، البته ارفع الدوله بنا به امر مشیرالدوله به جبران این خسارت برآمد.^۱ این ناامنی مکرر اعتراض زوار را در پی داشت و اعتراضات به شاه منتقل شد، عین الدوله از سفیر ایران درخواست رسیدگی به این امر را کرد و ارفع الدوله در پاسخ، این اعتراضات را به کلی بی‌اصل خواند و برای اثبات آن هر چندگاه رضایت نامه‌هایی از زوار جمع می‌کرد و به تهران ارسال می‌کرد.^۲

اما در خصوص تجاوزات مرزی عثمانی به ایران در دوران ارفع الدوله، ایران و عثمانی در اکثر مواقع در خصوص کوچ ایلات و عشایر و مسائل سرحدی با یکدیگر مشکل داشتند و قدرت‌های بزرگ نیز در فرصت‌های مناسب به نفع خود بر این اختلافات دامن می‌زدند. ارفع الدوله از سال ۱۳۲۳ ق درگیر مسئله تصرف منطقه پسوه و وزنه و لاهیجان بود، نیروی نظامی عثمانی این مناطق را تحت عنوان اینکه جزء خاک عثمانی می‌باشند تصرف کرده و حاضر به خروج نیروهای خود نبود. میرزا رضا برای مذاکره با مقامات مزبور مأمور شد، پس از مذكرات فراوان با مقامات عثمانی کمیسونی تشکیل شد ولی عثمانی‌ها با حمایت آلمانها، اصرار داشتند که این مناطق بدون هیچ شک و شبهه‌ای متعلق به عثمانی است. سعی ارفع الدوله در این میان این بود که بنابه خواسته روس و انگلیس بدون برخورد فیزیکی این غائله را حل کند،^۳ دولت ایران سعی داشت تا به هر شکل شده اول قوای عثمانی را از مناطق اشغال شده بیرون راند و بعد مذاکره کند مشیرالدوله وزیر خارجه در تلگرافی به ارفع الدوله در این خصوص نوشت:

۱. مکتوبات، اعلامیه‌ها و چند گزارش پیرامون نقش شیخ فضل‌الله نوری در مشروطیت. به کوشش محمد ترکمان. تهران، رسا، ۱۳۶۳. ص ۳۵.

۲. خان‌ملک ساسانی. یادبودهای سفارت استانبول. تهران، بایک، ۱۳۴۵. صص ۱۸-۱۶. و روزنامه ایران سلطانی. سال پنجاه و هفتم. شماره ۳. ۲۹ محرم ۱۳۲۲. ص ۴.

۳. گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی. به کوشش واحد نشر اسناد. تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰. ج ۴. ص ۶۱.

تلغراف رمز جنابعالی را به عرض خاکپای مبارک رساندم. مقرر فرمودند رضای به تحقیقات مشترک در صورتی خواهد بود که متجاوزین از خاک وزنه جلب شده باشند و مادامی که متجاوزین در خاک متصرفی دولت علیه باشند تحقیقات مشترک صحیح نیست... در صورتی که موافق تصدیق مأمورین دول واسطه که مشروحاً به شما تلغراف شده است و با قرارداد عدیده خاک متجاوزین سالها در تصرف این طرف بوده و همه قسم آثار آبادی و تصرف سنواتی ایران در آنجاست، چگونه می توان با بودن متجاوزین در آنجا به تحقیقات مشترکه پرداخت؟ اقدامات لازمه در جلب متجاوزین کرده از نتیجه اقدامات خودتان اطلاع بدهید، به عرض برسد.^۱

دولتین روس و انگلیس از دخالت آلمانها در مسائل منطقه راضی نبودند و گزارشاتی که از ملاقات سفیر آلمان با ارفع الدوله به دست آنان رسیده بود^۲ دول واسطه را وادار کرد تا در اسلامبول با صدراعظم عثمانی وارد مذاکره شدند و از وی خواستند تا قوای خود را از ایران خارج کند.^۳ مسئله حمله به سرحدات ایران از سوی عثمانی گرچه مسئله‌ای کهنه بود، ولی مخالفان ارفع الدوله آنرا منصوب به بی کفایتی وی کردند.^۴ سرانجام پس از تلاشهای بسیار احتشام السلطنه به ریاست کمیسیون سرحدی انتخاب شد، و پس از مذاکرات فراوان اراضی مورد اختلاف ایران و عثمانی به ایران مسترد شد. در سال ۱۳۲۵ق مجدداً عثمانی به ساوجبلاغ نیرو اعزام کرد و این بار نیز مشروطه خواهان ارفع الدوله را همراه با مستبدین در این قضیه مقصر دانستند.^۵ این اختلاف نیز در سال ۱۳۲۶ق حل شد و ارفع الدوله حل آنرا به خاطر عملکرد خود می دانست و از قضاوت روزنامه نگاران و نمایندگان مجلس درباره خود انتقاد کرد و در مکتوبی شکایت آمیز وزارت خارجه را تهدید به استعفاء کرد:

بعد از دو هفته که به موجب تلغرافهای وزارت جلیله خارجه و جناب محتشم السلطنه معلوم شد که فاضل پاشا در رفتن از ساوجبلاغ تعلل دارد و هر روز بهانه می آورد، بنده باز با منبع السلطنه به سرای سلطانی رفته و این دفعه به توسط جناب تحسین پاشا باش کاتب به اعلی حضرت سلطان پیغام دادم که هنگام شرفیابی اراده سنیه به بیرون آمدن فاضل پاشا از ساوجبلاغ صادر شد و بنده به دولت و ملت خود تبشیر کرده و... دیروز پوسته طهران وارد شده و روزنامه مبارکه مجلس را آورد

۱. پیشین، ص ۶۳.

۲. کتاب اسناد محرمانه سیاسی یا سیاست انگلیس و روس در ایران قبل از جنگ. طهران، علی اکبر سلیمی. ۱۳۱۱. صص ۳۴-۳۵ و صص ۱۰۶-۱۰۷.

۳. پیشین، ص ۷۶.

۴. خاطرات و اسناد حسینقلی خان نظام السلطنه، ج ۲، ص ۷۱۲.

۵. نامه‌های تبریز از فقه‌الاسلام به مستشار الدوله، به کوشش ایرج افشار، تهران، فرزان روز، ۱۳۷۸، ص ۱۰۱.

در نمره ۸۵ تاریخ بیست و سوم صفر دیدم که وقتی که جناب رئیس خیر تخلیه ساوجبلاغ را به مجلس شورای ملی تبشیر نمودند وکلای عظام در ضمن تشکر از همراهی‌ها و مساعی اولیای دولت و کمیسیونها و دول همجوار عموماً اظهار امتنان و تشکر کرده‌اند فقط از کسی که ابدا اسمی برده نشده از سفیر بدبخت و فلک زده‌ای ایران است که باعث بیرون رفتن فریق از ساوجبلاغ و تخلیه آنجا بوده است... با وجود این قسم بی انصافی هموطنان گرام کناره گرفتن خود را از مشاغل دولتی از هر جهت اصلح و ارجح دیده...^۱

مسئله مکرر تجاوزات عثمانی به مرزهای ایران در این سالها با توجه به مقارن بودن تحول بزرگ ساختار حکومتی در ایران - جنبش مشروطه - چندان نمی‌توان به گردن بی‌کفایتی‌های ارفع‌الدوله گذاشت، چرا که عثمانی در صدد بهره‌برداری از این اوضاع آشفته به نفع خود بود. البته نمی‌توان منکر شد که استفاده از سیاستمداران زیرک و مستقل‌تر شاید تا حدودی از این تنش‌ها می‌کاست.

یکی دیگر از مسائل مهم دوران سفارت ارفع‌الدوله در اسلامبول مشروطیت و مشروطه‌خواهان ایرانی مقیم در اسلامبول بودند. اسلامبول به نوعی مقر مشروطه خواهان بود و نشریاتی چون اختر، ژبا و پرورش داعیه مشروطه‌خواهی داشتند. از واکنش سفیر ایران در اسلامبول در قبال حرکت‌های اولیه مشروطه‌خواهان می‌توان از نامه میرزا مهدی اختر تبریزی، مدیر روزنامه اختر خطاب به مظفرالدین شاه متوجه شد که سفارت ایران حرکات آنان را زیر نظر داشته و مشکل‌آفرین نیز بوده است. او در این مکتوب از مظفرالدین شاه استدعا کرده بود که به «سفارت سنیه اشارتی بشود که بیش از این معترض حال این بنده بی‌گناه نشوند».^۲ پس از تشکیل مجلس شورای ملی، در نشریات آن روزگار مطالب زیادی علیه وی منتشر شد. خصوصاً با ماجرای که از سوی میرزا آقا اصفهانی پیش آمد، او که پیش از این به مدتی به همراه میرزا حسن‌خان رشدیه و مجدالاسلام کرمانی به اتهام شننامه نویسی و فعالیت بر علیه حکومت عین‌الدوله به کلات تبعید شده بود در اسلامبول به تجارت مشغول بود. در سال ۱۳۲۵ق به همراه عده‌ای دیگر از تجار در خان‌والده مجلسی تشکیل داد و قرار گذاشته شد تا بر مدرسه و بیمارستان ایرانیان در اسلامبول نظارت داشته باشند، مسائل و مشکلات تجار به جای مطرح شدن در سفارت در انجمن تجار رسیدگی شود. این مسئله برای سفیر ایران چندان خوشایند نبود و از سویی نیز دستور عثمانی به سفارت ایران این بود که مانع از

۱. گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی. واحد نشر اسناد. تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۲. ج ۶.

صص ۲۷-۲۵. ۲. گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی. ج پنجم، ص ۳۵۴.

تجمع ایرانیان و تشکیل مجالس آنان گردد. از همین رو به میرزا آقا بیغام داد که چنانچه جلسات وی ادامه پیدا کند، دولت عثمانی وی را از اسلامبول اخراج خواهد کرد، میرزا آقا اعتنایی به پیام سفیر نکرد و چند روز بعد خان والده به بهانه دستگیری میرزا آقا از سوی نیروهای عثمانی محاصره شد و میرزا آقا بنا به دستور سفارت از اسلامبول اخراج شد.^۱

اخراج میرزا آقا اصفهانی اعتراض تجار را در اسلامبول برانگیخت و مکتوبات فراوانی بر علیه ارفع الدوله در روزنامه‌ها منتشر شد. در جلسه ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ق مجلس شورای ملی وکلای آذربایجان نیز مکتوبی بر علیه وی در خصوص سخت‌گیری بر تجار قرائت کردند. در این جلسه تقی‌زاده از مجلس خواست تا به مظالم ارفع الدوله رسیدگی شود:

در خصوص جناب ارفع الدوله و تعدیات ایشان حرف داشتم اگر تعدیات حاجی آقا محسن محتاج به تحقیق باشد تعدیات او محتاج به تحقیق نیست هرکس یک ماه در اسلامبول باشد مثل این است یک سال در زیر چنگ حاج آقا محسن و قوام‌الملک باشد طوری حقوق ایرانیها را فروخته و ضایع کرده است که چه عرض کنم حالا ایرانی‌ها در کاروانسرای خودشان تشکیل انجمن تجار می‌دهند او می‌رود به حکومت عارض می‌شود که این انجمن، انجمن سیاسی است...^۲

در همین جلسه معاون وزارت خارجه به پاسخگویی در این خصوص پرداخت و ارفع الدوله را در این امر مقصر نشناخت و اقدام وی را ناشی از صلاح‌اندیشی دانست.^۳ میرزا آقا اصفهانی که در سال ۱۳۱۸ پس از انتصاب ارفع الدوله به سفارت اسلامبول در مدح وی اشعاری سروده و در روزنامه‌ها منتشر کرده بود، تبدیل به دشمن سرسخت وی شد. او به تبریز آمد و در انجمن ایلالتی تبریز به نمایندگی انتخاب شد و پس از چندی به وکالت آذربایجان در مجلس شورای ملی انتخاب شد، او مشکلات ایران را ناشی از وجود افرادی چون امین‌السلطان و ارفع الدوله می‌دانست. نمایندگان آذربایجان برای برکناری ارفع الدوله از سفارت اسلامبول تلاش بسیار کردند ولی این تلاش‌ها نتیجه‌ای نداشت و سفیر ایران در مقام خود باقی بود. ارفع الدوله در ایران دیروز به عدوات میرزا آقا با خود پرداخته و معتقد است که علت این دشمنی رد درخواستهای میرزا آقا برای انتصاب وی به مقام کنسولی طرابوزان بوده است. او حتی سوءقصدی که در همین سالها

۱. محمدعلی کاتوزیان. مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت. با مقدمه‌ای از دکتر ناصر کاتوزیان. تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹. صص ۶۳۰-۶۲۳.

۲. روزنامه مجلس. سال اول، شماره ۸۵، ۲۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۵. ص ۴، ۳. پیشین.

به وی شد را از دسائس میرزا آقا دانسته است.^۱ اقدام ارفع‌الدوله برای مقابله با مخالفان خود فرستادن وجوهات، مکتوبات و مقالاتی در ستایش از خود به روزنامه‌ها بود و از سوی دیگر کتابچه‌ای تحت عنوان دادخواهی دانش مکتوب کرد و سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی را به عنوان وکیل خود معرفی کرد تا در مقابل اتهاماتی چون خیانت و ادعاهای روزنامه انجمن تبریز و وکلای آذربایجان نسبت به وی حکم لازم را اعلام کنند. ارفع‌الدوله اقدام خود را در قبال ممانعت از تشکیل انجمن تجار در اسلامبول خدمتی بزرگ به دولت ایران می‌دانست.^۲ ولی این گونه اقدامات وی با شکست روبرو شد و او همچنان در نزد مشروطه خواهان منفور بود.^۳

در سال ۱۳۲۶ق ارفع‌الدوله پس از خروج نیروهای عثمانی از ساوجبلاغ، از سفارت اسلامبول عزل شد و محمدعلی خان علاء‌السلطنه به جای وی به سفارت منصوب شد. اگرچه این عمل باعث شادی مشروطه خواهان بود ولی ارفع‌الدوله در مکتوبی^۴ به وزارت امور خارجه نارضایتی خود و سلطان عبدالحمید دوم را از این تغییر اعلام کرد و پس از مشروطه خواه خواندن خود این اقدام دولت ایران را در قبال خدمات خود ناسپاسی برشمرد. او در این نامه از وزارت خارجه خواست تا حقوق معوقه وی را پرداخت نماید تا او نیز کنج عزلت برگزیند. این نامه از سوی وی در واقع تقاضای ابقاء در پست سفارت بود. تلاش‌های وی نتیجه خود را بخشید و علاء‌السلطنه از پذیرش پست سفارت ایران در عثمانی سرباز زد و ارفع‌الدوله در این پست باقی ماند.

پس از بمباردمان مجلس و متواری شدن مشروطه خواهان به اسلامبول و کشورهای اروپایی، انجمن سعادت در اسلامبول توسط مشروطه خواهان تشکیل شد. انجمن سعادت در آغاز از ارفع‌الدوله خواست تا به علت آنکه نماینده دولت نامشروع ایران است بنا به حکم آخوند ملا کاظم خراسانی و ملا عبدالله مازندرانی از دخالت در امور ایرانیان دست بر دارد و امور را به دست انجمن سعادت بسپارد. او این امر را پذیرفت ولی دولت عثمانی انجمن سعادت را به عنوان نماینده دولت ایران به رسمیت نمی‌شناخت و به همین دلیل مشکلاتی برای ایرانیان پیش آمد که انجمن سعادت بار دیگر و بنا به حکم علما از میرزا رضا خان خواست رسیدگی به امور ایرانیان را در دست

۱. ایران دیروز، صص ۴۴۲-۴۴۱.

۲. روزنامه کوکب دری، سال سوم، شماره ۲۰، ۲۶ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵. و همان شماره ۲۱، ۳ رجب ۱۳۲۵، صص ۴-۵.

۳. روزنامه جبل‌المین، سال اول، شماره ۱۲۶، ۱۹ شعبان ۱۳۲۵، ص ۳. و روزنامه انجمن، سال اول، شماره ۱۳، ۲۹ رجب ۱۳۲۵، ص ۳.

۴. گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۲، ج ۶، صص ۲۸-۲۵.



میرزا رضاخان ارفع الدوله در دوره مظفری [۲۱۷-۱۴]

گیرد.^۱ او که مدت طول عمر حکومت استبدادی در ایران را طولانی نمی‌دید تصمیم به همکاری با انجمن سعادت را گرفت و به منظور کسب اعتبار در نزد آنان کمکهای مالی به این انجمن کرد.^۲ او حتی به استقبال از مشروطه خواهان تبعیدی چون یحیی دولت‌آبادی رفت و پس از فوت پدر وی حاج میرزا هادی دولت‌آبادی، مراسم ختمی در خان‌والده برگزار کرد. میرزا رضا برای برقراری ارتباط با مشروطه خواهان مقیم اسلامبول آنان را در جریان اخبار رسیده از ایران قرار می‌داد. او حتی سعی کرد تا میان دولت ایران و انجمن سعادت ارتباطی ایجاد کند و به همین منظور تلگرافهایی به علماء در نجف و وزیر

۱. ایران دپروز، صص ۲۴۶-۲۴۵.

۲. احمد کسروی، تاریخ مشروطه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۲۹، صص ۷۲۶-۷۲۴، و یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی،

تهران، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۲۷.

خارج دولت وقت میرزا جواد خان سعدالدوله ارسال کرد که چنانچه صلاح است برای حل اختلاف بین دولت و ملت با هر دو طرف وارد مذاکره شود که جواب مساعدی از دولت به وی نرسید، انجمن سعادت نیز از وی خواست تا از دخالت در امور مربوط به این انجمن دست بردارد^۱ و علماء نیز به وی اعلام کردند:

جناب اشرف ارفع‌الدوله معلوم است غرض ملت از این مقاومت احقاق حقوق مغضوبه و افتتاح پارلمان و اجرای قانون اساسی و رفع ظلم است. در صورتی که مقاصد ملت حاصل و به آمال خود نائل شوند بالطبع صلح خواهد شد. محمد کاظم خراسانی، عبدالله مازندرانی.^۲

تلاشهای ارفع‌الدوله برای کسب محبوبیت در بین مشروطه‌خواهان به جایی نرسید و پس از فتح تهران و عزل محمدعلی شاه، در صفر ۱۳۲۸ق ارفع‌الدوله از سفارت عثمانی برکنار شد و به جای وی میرزا محمود خان احتشام‌السلطنه به این سفارت منصوب شد. ارفع‌الدوله نیز از اسلامبول راهی اروپا شد و چندی در فرانسه بود، سپس به موناکو رفت. او در موناکو دستور ساخت کاخکی به نام دانشگاه را برای خود داد و به عزم سیاحت روانه انگلستان و آمریکا شد. پس از پایان سیاحت خود به موناکو بازگشت او که علاقه زیادی به جمع‌آوری اسباب عتیقه داشت در منزل خود موزه‌ای ایجاد کرد.

در سال ۱۳۳۱ق علاء‌السلطنه نخست وزیر وقت در تلگرافی از ارفع‌الدوله دعوت به همکاری کرد و پست وزارت معارف را به وی پیشنهاد داد. ارفع‌الدوله پیشنهاد وی را پذیرفت و راهی ایران شد، اما پس از ورودش به تهران نظر علاء‌السلطنه در خصوص وزارت علوم عوض شد و او را به جای میرزا اسماعیل خان ممتازالدوله به وزارت عدلیه منصوب کرد. از اقدامات وی در دوران کوتاه وزارت، انحلال محکمه جنایی شهربانی تحت نظر وستداهل رئیس شهربانی وقت بود و تشکیل این گونه محاکم بر عهده وزارت عدلیه نهاده شد.^۳ در این ایام به پیشنهاد مسیو پرنی، مستشار عدلیه مدرسه عالی حقوق در ایران تشکیل شد، ارفع‌الدوله وزیر عدلیه معتقد بود که سرپرستی این مدرسه باید بر عهده وزارت عدلیه نهاده شود که با مخالفت کمیسیونی که به همین منظور تشکیل شده بود مواجه و سرپرستی این مدرسه به وزارت معارف داده شد. ارفع‌الدوله به مناسبت تاجگذاری احمد شاه در مقابل وزارت عدلیه طاق نصرتی به مانند طاق کسری بنا کرد.

۱. حیات یحیی، ج ۳، صص ۷۱-۷۰.

۲. اسنادی از فعالیت‌های آزادی‌خواهان ایران در اروپا و استانبول، مبارزه با محمدعلی شاه. به کوشش ایرج افشار. تهران، توس، ۱۳۵۹. صص ۴۲۹-۴۲۸.

۳. باقر عاقلی، داور و عدلیه، تهران، علمی، ۱۳۶۹. ص ۳۲۵.

هزینه این طاق نصرت هزار و دویست تومان بود که توسط خود وی و کارمندان وزارت عدلیه پرداخت شد.

ارفع الدوله به دستور علاءالسلطنه مأمور شد تا به عنوان سفیر فوق العاده تاجگذاری احمدشاه را به دربار روسیه و دیگر کشورهای اروپایی اعلام کند ولی با آغاز جنگ جهانی اول این مأموریت وی بهم خورد. در سال ۱۳۳۲ق دولت علاءالسلطنه برکنار شد و میرزا رضا نیز راهی موناکو شد و دانشگاه را با حجاری‌هایی شبیه به تخت جمشید و پاساژگارد تزئین کرد. پس از پایان جنگ جهانی او راهی ایران شد، در ایام پایانی صدارت وثوق الدوله از سوی دموکراتها به وی پیشنهاد صدارت شد. ارفع الدوله پس از مذاکره با مستوفی الممالک این پیشنهاد را پذیرفت ولی به نقل از خود وی «بعضی شروط پیش آمد که نتوانستم تشکیل کابینه بدهم».^۱ منابع موجود در این خصوص سکوت اختیار کرده‌اند و او در خاطرات خود از ملاقات با نورمان وزیر مختار انگلیس نیز سخن گفته است که پس از شنیدن خبر صدارت وی به دیدار وی رفته و تبریک گفته است. ولی ارفع الدوله در همین ملاقات انصراف خود را اعلام کرده و در پاسخ به نورمان که چه کسی را برای صدارت پیشنهاد می‌کند میرزا حسن خان مشیرالدوله را مناسب معرفی کرده است. ارفع الدوله تفصیل ملاقات خود را به اطلاع مستوفی الممالک رساند و برای جلب نظر مشیرالدوله با وی ملاقات کرد و در این ملاقات برای تشکیل دولت به وی اصرار فراوان کرده است. او ادعا دارد که به علت همین اصرارها سرانجام مشیرالدوله ریاست دولت را پذیرفته است. این ادعای وی با توجه به آنکه او هرگز در صحنه داخلی سیاست ایران سهمی نداشته و تنها سهم او دوره کوتاه وزارت عدلیه است کذب به نظر می‌رسد، بسیار بعید است که در این دوره حساس هدایت مرکب سیاست را شخصی چون او بر عهده گرفته باشد. این اظهارات را باید نتیجه خوی خودستایی و بزرگ‌نمایی پرنس ارفع الدوله دانست.

ارفع الدوله در سال ۱۳۳۸ق از سوی دولت ایران با مقرری سالی سه هزار تومان به نمایندگی ایران در جامعه ملل در ژنو مأمور شد و کیخسرو شاهرخ نیز فرزند خود شاهرخ که قصد ادامه تحصیل در پاریس را داشت، با وی در این سفر همراه کرد. با توجه به انقلاب و جنگ در روسیه و ناامنی راهها قرار شد که از مسیر اصفهان و بوشهر سفر صورت گیرد. اما این مناطق نیز ناامن بود، به ارفع الدوله و همراهانش در بین راه از سوی طایفه دره شوری حمله شد که در این واقعه شاهرخ فرزند ارباب کیخسرو به قتل رسید و اموال ارفع الدوله به غارت رفت. این جریان باعث تعویق سفر ارفع الدوله شد و او برای

۱. ایران دیروز، ص ۴۹۹.

مدت دو ماه در شیراز در نزد والی شیراز میرزا محمد خان مصدق السلطنه ماندگار شد تا سرانجام موفق به باز پس‌گیری کامل اموال خود و ادامه سفر شد.

ارفع‌الدوله پرنس صلح به مدت هشت سال در مجمع ملل نماینده ایران بود و در سال ۱۳۰۷ش به ایران احضار شد. در بدو ورود از سوی رضا شاه به وی پیشنهاد داده شد که ریاست شورای دولت را که شاه قصد تشکیل آنرا داشت بپذیرد که ارفع‌الدوله نپذیرفت و در مقابل پیشنهاد کرد که چنانچه مأموریت مناسبی در خارج از ایران وجود دارد به وی بدهند.^۱ این تقاضای وی پذیرفته نشد، تا سال ۱۳۱۰ در تهران بدون داشتن هیچ پست و منصبی باقی ماند و در این سال پس از دریافت نشان همایون درجه اول از سوی شاه اجازه رفتن به موناکو را پیدا کرد.

میرزا رضا خان ارفع‌الدوله فراماسونر و نام او در لیست صد و بیست نفری لژ بیداری ایران میرزا ابراهیم حکیم‌الملک آورده شده است. تقی زاده که خود از اعضای فراماسونری بود در مکتوبی نوشت:

... این حکایت قطعی است یعنی در نقل کرده خودش شکی نیست. دیپلمات مزبور که مدتها سفیر دولت علیه در یکی از پایتختهای اروپا بود نقل می‌کند که وقتی به لندن رفته بود در همان زمان سختی ایران در ده سال قبل [۱۹۱۱] یک شب به محفل فراماسونها رفته و پادشاه انگلیس ادوارد را که اونیز فراماسون بود در آنجا دیده و در همان وسط معبد [یقه] پادشاه را گرفته و گفته برادر آخر کار ایران بد شده کمکی بکن... [ادوارد] وعده داده بود در عالم برادری که به ایران کمک کند و از همان روز هم به حکم پادشاه انگلیس دیگر سیاست دولت انگلیس موافق ایران شده...^۲

حسن ارفع فرزند ارفع‌الدوله نیز در خاطراتش از تلاش پدر برای فراماسون کردن خود یاد کرده است.^۳

ارفع‌الدوله صاحب سه فرزند به نامهای حسن، ابراهیم و فاطمه بود که دو پسر وی در ارتش پهلوی صاحب منصب بودند و سرلشکر حسن ارفع چندین بار به ریاست ستاد ارتش منصوب شد و از مهره‌های انگلیسی بود. میرزا رضا خان آثار مکتوب نیز چون مثنوی طول عمر، مثنوی صلح و دیوان گوهر خاوری با مقدمه‌ای از ادیب‌الممالک از خود به جای گذاشت که بالطبع فاقد ارزش ادبی بودند. او در سال ۱۳۱۶ش در موناکو درگذشت.

۱. ایران دیروز. ص ۵۵۶.

۲. دکتر محمود افشاری‌زادی سیاست اروپا در ایران. مترجم سید ضیاء‌الدین دهشیری. تهران، بنیاد موقوفات دکتر

محمود افشار، ۱۳۵۸، ص ۲۱۵.

۳. در خدمت پنج سلطان. ص ۲۹.



میرزا رضاخان ارفع الدوله در دوران کهنولت | ۱۱-۹۸۴

از ارفع الدوله هیچ گاه نام نیکی به جای نماند و علیرغم آنکه در خاطراتش بسیار به تجلیل از خود پرداخته است جزء رجال بدنام تاریخ ایران است که بسیار شیفته خودستایی بود. او حتی در بین دوستان خود نیز منفور بود چنانچه روایت است که امین‌السلطان برای برائت خود گناه استقراض از روسیه را به گردن وی انداخته است.^۱ احتشام‌السلطنه در خاطراتش او را شارلاتان نامیده و علامه قزوینی در مورد او نوشت: میرزا رضا خان معروف به پرنس صلح که خیلی عاشق خود بود و همیشه از خود و از اعمال جلیله‌ای که به زعم خود انجام داده بود در همه محافل و حتی برای بچه‌ها تعریف می‌کرد و عکس خود را و کمترین وقایع راجع به خود را مثل اینکه او

۱. مهدی ملک‌زاده. زندگانی ملک‌المتکلمین. تهران، علمی، ۱۳۲۵، صص ۱۲۱-۱۲۰.

را در مجلس چای در یکی از خانواده‌های قدیمی فرانسه دعوت کرده بودند با قطعات روزنامه‌جات که حاوی آن واقعه کوچک مضحک بود برای عموم ناس می‌فرستاد.^۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. یادداشتهای قزوینی، به کوشش ایرج افشار، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۵، ج ۸، ص ۱۵۰.